

نقش‌های شیرسر بناهای قاجاری گرگان (استرآباد)^۱



محبوبه بطیار*

غلامرضا حسنی**

مقدمه

تزیین به‌عنوان یکی از پایه‌های مهم هنر اسلامی است. تزیینات در دوره قاجاریه نیز اهمیت ویژه‌ای داشت. کاشیکاری، گچ‌بری، سنگ‌کاری، نقاشی روی گچ، آیینه‌کاری و نقاشی روی چوب عمده تزیینات این دوره بودند. در بافت تاریخی گرگان (استرآباد) تعداد زیادی از بناهای دوره قاجار وجود دارد که از جهت معماری بومی و نیز تزیینات داخلی قابل تأمل‌اند؛ اینان جلوه‌ایی از پایگاه اقتصادی، بینش و نگرش اعتقادی ساکنان آن‌ها است. سقف این بناها به تبعیت از معماری بومی و سنتی منطقه، به شکل شیروانی و از جنس چوب ساخته شد که به چهار جهت شیب داشته و بیرون آن سفال‌پوش است. طراحی شیب سقف‌ها طوری است که بخش‌هایی از لبه بام‌ها بیرون زده و شیرسرهایی که به زیبایی تراش خورده و همچون مقرنس دور تا دور آن را آراسته‌اند. شیرسرها معمولاً ساده و بی‌آلایش‌اند و گاه نیز مزین به نقش‌های گیاهی و هندسی که لابه‌لای آن‌ها بر سطح تخته (لمبه) ها، انواع دیگر نقش‌ها و خطوط جای گرفته است. آرایه‌هایی که به‌صورت طرح‌هایی خام‌دستانه و عامیانه هستند و بر مبنای ذهنیات نقاش به تصویر درآمده‌اند. موضوعات نقش‌ها از لحاظ مکانی متفاوت‌اند و در طی مشاهده و بررسی نگارندگان این نقش‌ها به دست‌های انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی، اسطوره‌ای و نمادین، همچنین نقش‌مایه اشیا و نیز کتیبه‌های خوشنویسی تقسیم شده‌اند. مضامینی که در اغلب موارد مرتبط با باران، باران‌زایی، برکت و حاصلخیزی هستند و با تأکید به این موضوع، به رابطه معنادار این آثار با عملکرد شیرسرهای زیر سقف پی می‌بریم.

* کارشناسی‌ارشد
پژوهش‌هنر، هنرآموز
آموزش و پرورش گرگان
** عضو هیئت علمی
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علی‌آباد کتول

۱- این مقاله برگرفته از کتاب
با عنوان «نقش و نگارهای
شیرسر بناهای قاجاری گرگان
(استرآباد)» است.

انواع نقش‌مایه‌های شیرسرها

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، نقوش متنوعی بر سطح زیر سقف‌ها به تصویر در آمدند. صورت و مضامین این تصاویر به شرح زیر است:

۱- مضامین انسانی

بخش نسبتاً وسیعی از موضوعات به نقوش انسانی اختصاص دارد و با بررسی این نگاره‌ها، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تأثیرات اجتماعی و نوع و نگرش زندگی مردم به‌ویژه زنان، به‌عنوان بخشی مهم از جامعه روزگار قاجار، در شیوه و سبک نقاشی شیرسر بناهای این دوره انعکاس یافته است. چهره‌هایی که نمایانگر هم‌آمیزی سنت‌های ایرانی و اروپایی در یک قالب پالایش یافته و شکوهمند است (پاکباز، ۱۳۸۵: ۱۵۱). از دیگر سو در نگاره‌های انسانی تأثیر عکاسی بر چهره‌نگاری‌ها دیده می‌شود (تصویر ۱)، تصاویری که به نگرنده زل زده‌اند، همان کاری که در هنگام عکاسی و در آثار عکاسی آن زمان دیده می‌شود. با مشاهده ژست و نحوه کادربندی موضوعات که به‌صورت آلبوم عکس بر چوب نقش بسته‌اند و در مواردی بیش‌تر به یک قاب عکس شباهت دارند، این گمان برای نگارندگان پیش آمد که شاید هنرمند عامی در ترسیم این آثار از عکس استفاده کرده باشد که این شیوه ترسیم شدن متأثر از فن عکاسی و عکسهای روزنامه‌نگارانه، تصاویر چاپ و محصولات وارداتی غرب بوده است (ابراهیمی‌ناغانی، ۱۳۸۸: ۲۲).

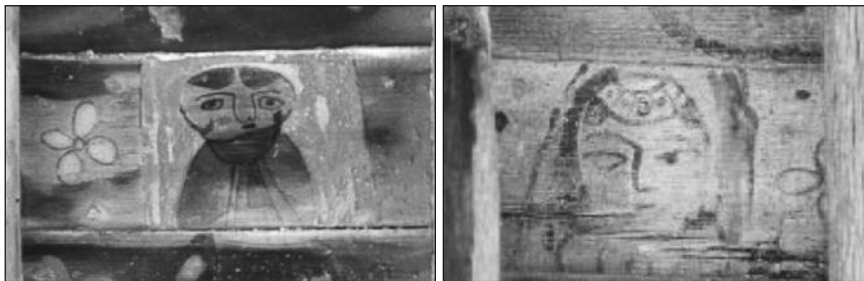


تصویر ۱: تصاویر انسانی متأثر از عکاسی - بنای پیرتکیه (منبع: نگارندگان)

الف. ویژگی‌های مضمونی نقوش زنان

زنانی که در آثار نقاشی سقف‌ها می‌بینیم دارای فرم و حالت چهره‌های یک شکل با تفاوتی اندک با چشمانی درشت و ابروهای پهن که گاهی به شکل به‌هم پیوسته کشیده شده‌اند. لب‌ها بی‌حالت و خطی، با دماغ‌های کشیده و بزرگ در غالب شکل مثلث که گاهی در قسمت قاعده آن منفذهای کوچکی به‌عنوان سوراخ بینی تعبیه شده است. نگاره‌ها، اغلب تمام‌رخ و در چند مورد نیم‌رخ هستند در ترکیبی از نیم‌تنه. آن‌چه از تصاویر به چشم می‌خورد تنها پوشش سر و بدن و زیورآلات زنان است. نوع لباس و پوشش زنان

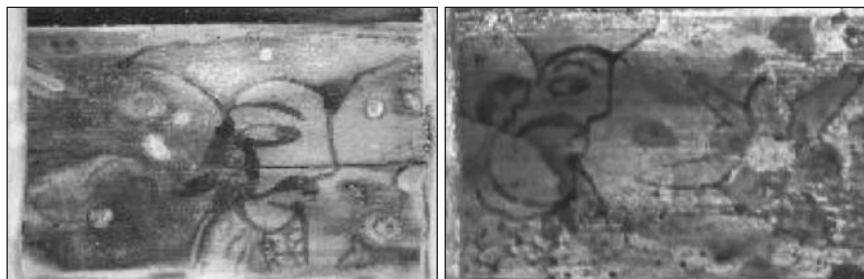
در آثار، متأثر از فرهنگ و عقاید ایرانی و وابسته به دوره قاجاریانند. در تک‌چهره زنان میزان رنگ‌گزینی بیشتر، رنگ‌های گرم مانند اخراپی، عنابی در لباس و تزئینات به‌کار رفته است و استفاده از رنگ سفید در همه چارقدها دیده می‌شود (تصویر ۲).



تصویر ۲: چهره زنان - بنای خداوردی (منبع: نگارندگان)

ب. ویژگی‌های مضمونی نقوش مردان

غالب تصویر مردان در میان نگاره‌ها به‌صورت چهره‌هایی نیم‌رخ، به حالت نیم‌تنه و لباس‌هایی با چند خط ساده است (تصویر ۳). فرم چهره مردان نیز شبیه یکدیگرند؛ دارای سبیل بلند و سیاه و بدون ریش. ویژگی دیگر، ابروهای پهن است با چشمانی درشت که از دید روبرو کشیده شده‌اند و گوش‌ها پائین‌تر از جای اصلی خود هستند. تنها در چند مورد در نگاره‌های پیرتکیه چهره مردانی متفاوت ترسیم شده است؛ مردی از روبرو با ریش و سبیل که عینکی بر چهره‌اش طراحی شده است و به نظر مردی فرنگی تصور می‌شود، یا مردی با ریش و سبیل که در حالت شکار نشان داده شده است. همین‌طور مردانی بدون ریش و سبیل با پوششی متفاوت از فرهنگ ایرانی از نوع کلاه و شنلی که بر دوش دارد و مردی که تنها با ریش در مقابل زنی بدون پوشش سر ترسیم شده است. آنچه از لباس مردان قابل دیدن است غالب پوششی با دو نوع پیراهن زیر و رو با یقه گرد است با کلاهی متحدالشکل و از نوع مخصوص شاطران^۲ و جزایری‌ها است که شاه عباس آن را رواج داده و به بورک^۳ معروف است.



تصویر ۳: چهره مردان - بنای خداوردی (منبع: نگارندگان)

۲- شاطران: به گروهی از مردان جیست و چابک گفته می‌شد که قادر بودند مسافت‌های طولانی را بدون احساس خستگی با سرعت بدون این افراد اغلب پیشاپیش مسیر پادشاه حرکت می‌کردند و ورود او را اطلاع میدادند یا نامه‌ها و مراسلات را به‌سرعت به مقصد می‌رساندند. (رک: معین، ۱۳۶۲: ذیل واژه شاطر).

Boruk - ۳

مسیح‌دان

پ. ویژگی‌های مضمونی تلفیق نقش زنان و مردان

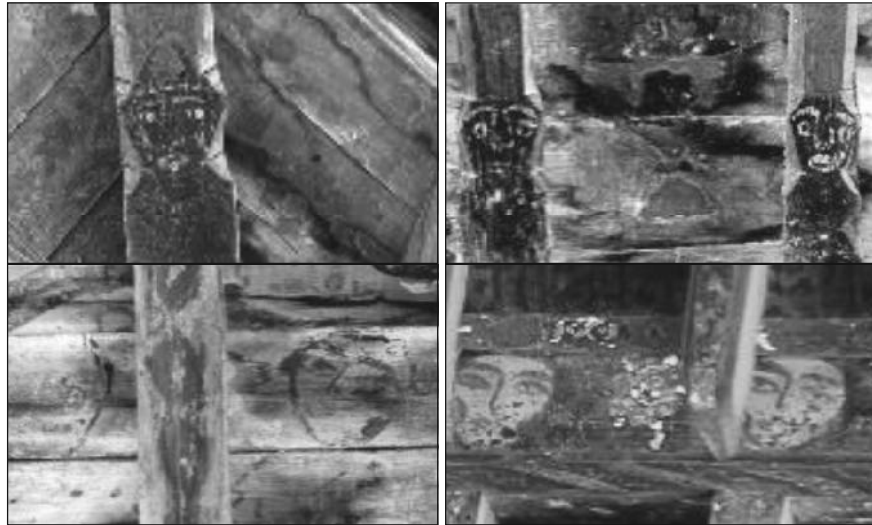
در این دسته از تصاویر زن و مرد در اثر در کنار هم قرار گرفته‌اند با خصوصیات ظاهری که پیش‌تر بیان شد (تصویر ۴).



تصویر ۴: تلفیق چهره زن و مرد - تصویر سمت راست: بنای پیرنکیه،
تصویر سمت چپ: بنای خداوردی (منبع: نگارندگان)

ت. نقوش انسانی با جنسیت نامشخص

در میان آثار زیر سقف، چهره‌هایی با سبک اجرایی واقع‌گرایانه و الهام گرفته از طبیعت ترسیم شده‌اند که به نقشی نمادین از انسان تبدیل شده‌اند، بدون آن‌که فردیت آن‌ها از لحاظ جنسیت مشخص باشد. این دسته نگاره‌ها یا به صورت چهره‌ای کم‌سخن و خشک نقش شده‌اند که در مواردی همان چهره به صورت شاخدار طراحی شده است (تصویر ۵) و در نقشی دیگر چهره‌هایی باحالتی ملیح که می‌توان آن‌ها را به ایزد یا ایزدبانویی تأویل نمود (تصویر ۶).

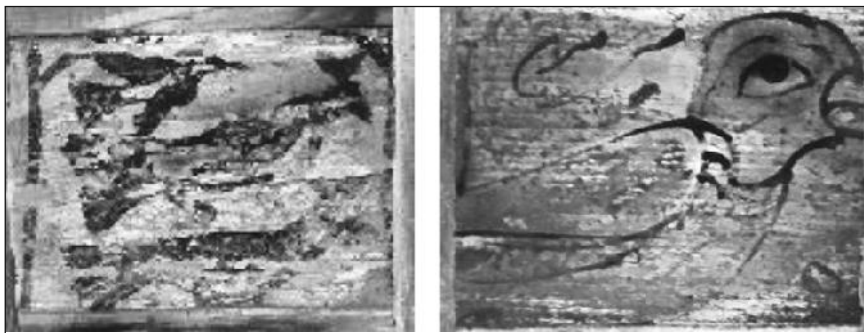


تصویر ۵: دو تصویر بالا، نقش انسانی بدون جنسیت - بنای حاج‌قاسمی -

تصویر ۶: دو تصویر پایین، نقش انسانی بدون جنسیت - بنای دروکی (منبع: نگارندگان)

۲- مضامین حیوانی

این نقش‌ها، علاوه بر نمایش جانوران طبیعت اطراف، دربردارنده مفاهیم عمیقی از ذهنیات هنری طراحان خود هستند که یا به صورت چکیده‌نگاری یا واقع‌گرایانه اجرا شده‌اند. رنگ‌گذاری بسیار محدود و بسیاری از نقش‌ها بدون رنگ هستند. رنگ‌های به کار رفته در تصاویر حیوانات اغلب سفید، عنابی و شنگرف با دورگیری سیاه است. تصاویر حیوانات و پرندگان به صورت نیم‌رخ، اغلب به صورت تک و منفرد و در مواردی، تکرارهای دوتایی یا سه‌تایی با جنسیت مشابه و یا تلفیق چند حیوان و یا در کنار تصاویر انسانی و گیاهی نقش شده‌اند. تصاویر حیوانی به کار رفته بر لمبه‌ها را می‌توان به نقش پرندگان و نقش غیر پرندگان تقسیم کرد. از میان تصاویر متنوع پرندگان می‌توان به نقش هدهد، بلبل، کبوتر و مرغابی اشاره کرد و تصاویر غیر پرندگان تنها به مواردی چون: سگ، ماهی، مار و چند مورد دیگر که به دلیل ضعف اجرا هویت آن‌ها برای نگارنده مشخص نیست، می‌توان اشاره کرد (تصویر ۷-۸).



تصویر ۷: نقش پرند-سمت راست: بنای خداوردی،
سمت چپ: بنای پیرتکیه (منبع: نگارندگان)



تصویر ۸ الف: سمت چپ: بنای خداوردی
(تصویر ۸ ب: تصویر بالا، بنای پیرتکیه (منبع: نگارندگان)

۳- نقش‌های اسطوره‌ای و نمادین

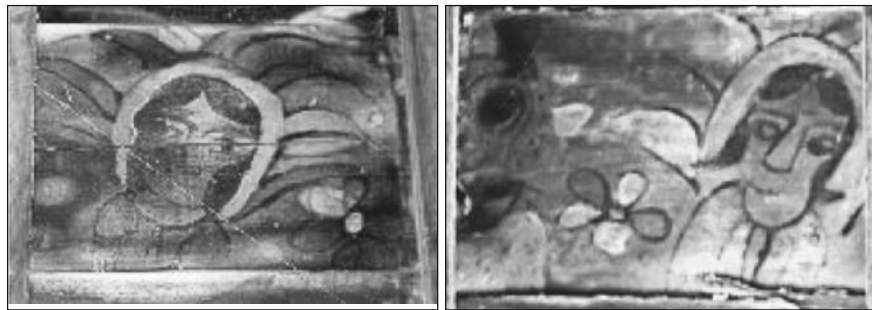
در بین نگاره‌ها، به‌طور پراکنده و در سطح نسبتاً وسیع، نقوشی نمادین و اساطیری دیده می‌شود که برگرفته از اساطیر کهن ایرانی است. این نگاره‌ها، حاکی از آن است که در فرهنگ

عامیانه مردم این منطقه، جایگاه ویژه داشته و در پیوند با اعتقادات و زندگی آنان بوده‌اند. نقش‌هایی مانند مار، اژدها- مار، ایزدبانو، ایزد، مردان دیوشکل، ماهی و خورشید که مورد توجه مردم این منطقه بوده و اکثر آن‌ها درباره حاصلخیزی، باروری و برکت‌اند.

الف. ویژگی‌های بصری نقش ایزدبانو و ایزد

در میان آثار انسانی، چهره زنان و مردانی با هاله‌ای به رنگ سفید و نیز هاله‌ای به شکل کنگره‌دار سفید رنگ دیده می‌شود (تصویر ۹-۱۰). کاربرد هاله برای نشان دادن تقدس انسان‌های پاک‌سرشت از ویژگی‌های کهن هنر ایرانی است و نشانه فرّ است. به‌موجب اوستا، فرّ، نیرویی است که از سوی خداوند اهدا می‌گردد و موجب نیرومند شدن، ترقی و تعالی دارندگانش می‌گردد. در بسیاری موارد، قهرمانان و شخصیت‌های افسانه‌ای با نشانه‌های فرّ و شکوه مانند هاله نور و شعله آتش تجسم یافته‌اند؛ هر چند معنی آن را به بخت و اقبال هم می‌نویسند.

تصویر ایزد و ایزدبانوها بر سطح شیرسرها، همان‌طور که گفته شد کالبدی انسانی دارد و این از خصیصه هنر عامیانه است که چهره افراد عادی با ایزد و ایزدبانوها یکسان طراحی شده است. تصویر ایزدبانو با تصویر زنان مشابهت داشته و در نوع پوشش و آرایش نیز با زنان قاجاری منقش شده یکسان هستند و تنها تمایز آن‌ها در هاله و تکرار شعاعهایی است که اطراف پیکرشان را پوشش داده است. ایزدان نیز مانند تصویر سایر مردان ترسیم شده و تنها تمایز آن‌ها در هاله‌ای است که در اطراف سر آن‌ها قرار گرفته است.



تصویر ۹: چهره ایزدبانو - بنای خداوردی (منبع: نگارندگان)



تصویر ۱۰: ایزدان - بنای خداوردی (منبع: نگارندگان)

ب. مردان اهریمنی (دیو)

بخش دیگر نقاشی‌های انسانی مربوط به چهره‌هایی دیو شکل است (تصویر ۱۱). این موجودات و مردان از مشخصه‌های اصلی نقاشی‌های جامعه آماری به شمار می‌روند و حجم قابل توجهی را به همراه دیگر مضامین انسانی به خود اختصاص داده‌اند. این نگاره‌ها با خطوطی ساده و روان ترسیم شده و چهره‌های پلید که گاهی به شکل مردانه هستند را پدید آورده است. در مواردی دارای پوستی با خال‌های سیاه رنگ و عنابی و سبیل بوده با دندان‌هایی بیرون‌زده از دهان به شکل حیوانات درنده که کلاه‌هایی شاخ‌دار به سر گذاشته‌اند و هیچ نشانی از زیبایی در آن‌ها نیست.



تصویر ۱۱: مردان اهریمنی، سمت راست: پیرنکیه و

سمت چپ: خانه خداوردی (منبع: نگارندگان)

ت. مار

مار خزننده معروف که به‌عنوان عضوی از طبیعت و به همراه سایر نگاره‌ها، در آثار نقاشی خانه خداوردی، به چشم می‌خورد. طراحی آن‌ها به دو شکل بدن کشیده و بلند یا کوتاه است، به‌صورت موجی شکل و یا حلقه بسته، با سبکی واقع‌گرایانه در نمایش جزئیات بدن؛ فلس‌های بدن و آرواره مار مشاهده می‌شود. در پس‌زمینه این مارها چهره‌هایی از زنان و ایزدزنان ترسیم شده است.

در تصویر ۱۲، سر مار به شکلی متمایز است؛ نقش مار با سر انسان که به‌عنوان شوهر زن تداعی می‌شود و این امر تا اندازه‌ای به سبب شباهت این موجود به آلت تناسلی مرد است و این مطلب را می‌توان به تصویر این مار که چهره‌ایی انسانی دارد و سبیلی برای آن طراحی شده تعمیم داد. مار با سر انسان، نشان‌دهنده جنبه خدایی اوست.

در میان نقوش خانه دروکی، تصویر ۱۳، تصویر تکرارشونده مار که با حرکتی موجی شکل، همراه با شتاب در حرکت در قالب نواری افقی که رودی خروشان را تداعی می‌کند، کل سطح زیر سقف را می‌پیماید. این مار به رنگ سیاه، خالها و دورگیری به رنگ سفید است. بدن موج گونه این مار نشانگر همبستگی‌اش با برکت، بارندگی و پاییدن آب است؛ در ایران کهن مار را حافظ زندگی و آب‌ها می‌دانسته‌اند و با شاخی

که بر فراز سر دارد، نماد و حافظ آب است.

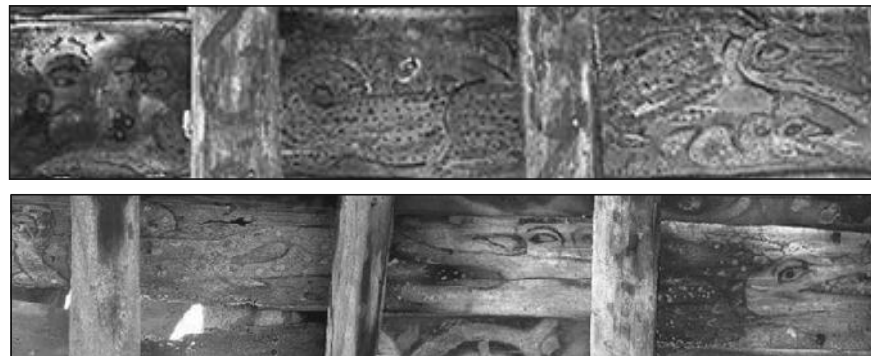


تصویر ۱۲: نقش مار - خانه خداوردی و تصویر ۱۳: نقش مار شاخ‌دار -

تصویر پایین، بنای دروکی (منبع: نگارندگان)

ث. اژدها-مار

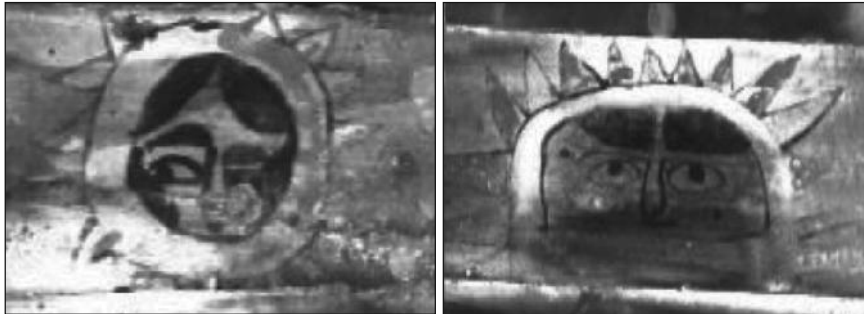
در چند نمونه نقش شده بر سقف خانه خداوردی، تصویر اژدها، برگرفته از شکل مار؛ مارهای عظیم‌الجثه خزنده دیده می‌شود که اصطلاح اژدها-مار مناسب این نگاره است (تصویر ۱۴). سر این گونه اژدها، همچون سر گرگ است. پوزه‌ای دراز، دهانی باز که در بعضی، دندانان از دهان بیرون زده و شعله آتشی از آن می‌جهد. در مواردی، از فراز سر اژدها مارها، شاخ و برگ‌گی خارج شده که نماد جوانه زدن است (گربران، ۱۳۷۷: ۱۲۸) و تنه دراز، نرم و به هم پیچیده دارند. با مشاهده این نگاره‌ها در حالی که تصاویری از زن و ایزدبانو در پس آن‌ها دیده می‌شود، به نوعی ارتباط بین این دو نقش می‌توان اشاره کرد؛ مبنی بر باروری و زایش، اژدها نماد آب آسمانی و بارور کننده زمین است او موکل صاعقه است (همان)



تصویر ۱۴: اژدها-مار - بنای خداوردی (منبع: نگارندگان)

ج. خورشید

نقش خورشید در دایره و یا دو دایره در درون هم و پرتوهایی به شکل مثلث است (تصویر ۱۵). صورتش نزدیک به تصاویر زنان و ایزدزنان منقش بر سطح زیر سقف، با چشمانی درشت و موهایی از چارقد بیرون‌زده، طراحی شده است.



تصویر ۱۵: خورشید- بنای خداوردی (منبع: نگارندگان)

چ. نماد شیر و خورشید

تصویر ۱۶، تنها نمونه‌ای است که از نظر نگارندگان به نقش «شیر و خورشید» نزدیک است. پیکره لمیده حیوانی با دم کشیده، سر این حیوان زیر شیرسر پنهان شده و نیم دایره خورشید با شعاع‌های مثلثی شکل که در پشت حیوان قرار گرفته است. نقشی که در آن زمان نماد ملی و رسمی ایران بوده، در نگاره‌های سقائفارهای^۴ مازندران دیده شده و با توجه به همزمانی اجرای این آثار، هم‌جوار بودن این دو منطقه و تبادلات فرهنگی و سینه‌به‌سینه مردمان، بر نقش شیر و خورشید بودن این اثر صحه می‌گذارد.



تصویر ۱۶: نقش شیر و خورشید- بنای خداوردی (منبع: نگارندگان)

۴- سقائفار سقائفار یا سقائفار آلونک‌ها یا اتاق‌هایی هستند که در استان مازندران در شمال ایران برای استفاده‌های گوناگون ساخته می‌شوند.

ح. ماهی

در این نقش شاید هنرمند عامی به صورت ناخودآگاه، آرزوی آب و حتی تقدس آب را با نماد ماهی ترسیم کرده است. ماهی به آب زنده است پس نمادی است از آب، تازگی، طراوت

و نوع و شیوه طراحی اندام ماهی تداعی کننده حرکت موجود در آب است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷: نقش ماهی - سمت راست: بنای خداوردی و
سمت چپ: بنای پیرتکیه (منبع: نگارندگان)

۴- نقش مایه‌هایی از اشیا

در بین نگاره‌ها، اشیائی به تصویر کشیده شده‌اند که هم جنبه تزئینی و هم نقش وسیله‌ای کاربردی دارند. هنرمند از شیء نمادین؛ سرمه‌دان و یا آینه که مرتبط با زنان بوده؛ در چند مورد مقابل تصویر زنان ترسیم کرده که نمایانگر ابزار بزرگ و آرایش زنانه است (تصویر ۱۸).



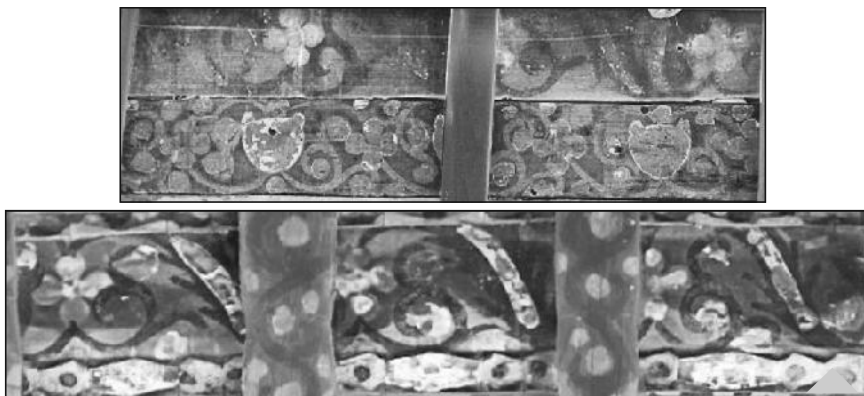
تصویر ۱۸: نقش اشیا- بنای خداوردی (منبع: نگارندگان)

۵- نقش‌های گیاهی

عمده‌ترین و جدی‌ترین نقش به‌کار رفته بر سطح لمبه و شیرسرها، نقوش گیاهی است. زندگی هنرمندان نیز همچون سایر مردم از لحاظ موقعیت اقلیمی با گیاهان پیوند خورده است و وجود نقش گیاهان در آثار هنری زیر سقف بناها گواه بر اعتقاد و باورهای است که این افراد نسبت به این نقش دارند، هنرمند، مشاهدات و دریافت خود را از طبیعت پیرامون، بر سکونتگاه و محل زندگی خود به سبک‌های مختلف به تصویر کشیده است. نگاره‌هایی که علاوه بر دارا بودن مضامین اعتقادی و مذهبی از نظر فرم و شکل هم متنوع‌اند و از چند شیوه‌ی تزئین‌گری و تصویرگری پیشین و هم عصر خود متأثر شده‌اند که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. نقش‌های گیاهی مرسوم دوران صفوی

زیبایی و شکوه تذهیب‌گونه‌ای در اغلب شیرسرهای بناهای تاریخی گرگان ایجاد شده و در ترکیب با خوشنویسی‌ها و نقاشی‌ها چشمگیر است. نگاره‌ها به دو دسته؛ گاه به صورت اسلیمی بر روی قوس حلزونی (بند اسلیمی) و در مواردی بر این حرکت، گل و برگ قرار گرفته و طرح ختایی را به وجود آورده‌اند. طرح‌های اسلیمی ساده‌اند و طرح‌های ختایی با گل‌هایی در قالب دایره و گل‌هایی هشت‌پر، شش‌پر و پنج‌پر طراحی شده‌اند. ترکیب برگ در طرح‌های ختایی ساده و کوچک و یا برگ‌های کنگره‌دار (لوتوس) است (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۹: نقش گیاهی (ختایی و اسلیمی) (منبع: نگارندگان)

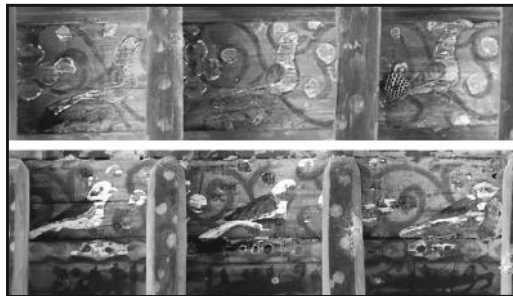
ب. نقش‌پردازی‌هایی به صورت گلدانی و گل و مرغ

نقش گلدانی، به عنوان شیوه‌ای مستقل و منحصر در تزئینات دوره قاجار گونه‌ای جدید از نگارگری گل‌ها و گیاهان را تعریف می‌کند (تصویر ۲۰). نقاشی بر شیرسر بنای حاج قاسمی، مبتنی بر نقوش گلدانی به صورت تکرار شونده در ردیف‌های موازی است. گلدان‌هایی با گل زنبق به صورت نمادین، با اسلوبی طبیعت‌گرایانه و واقع‌گرایانه اجرا شده و از لحاظ ترکیب‌بندی، قرینه هستند. گلدان‌ها از نظر تنوع، به دو صورت ترسیم شده‌اند؛ دسته اول با الحاق حلقه (بست)، بخش پایه از تنه جدا شده و در دسته دوم علاوه بر اینکه در گلدان پایه از بدنه جدا شده در قسمت بالای گلدان نیز با یک حلقه ایجاد گردن شده است، هر دو نمونه بدون دسته‌اند. گلدان‌ها یا عاری از نقش و یا دارای تزئینی از نقش ختایی بر روی بدنه‌اند. تنها گل استفاده شده در این گلدان‌ها زنبق است با ساقه‌ای بلند، برگ‌هایی دراز و کشیده و گاهی با ساقه‌ای کوتاه که لبه گلدان‌ها از گل و برگ‌ها پوشیده شده است. تنوع رنگ‌گذاری به صورت سطوح رنگی تخت در این بخش بیش‌تر دیده می‌شود.



تصویر ۲۰: نقش گلدانی - بنای حاج قاسمی (منبع: نگارندگان)

در خانه مفتاح که قبلاً شرحی بر آن داده شد (تصویر ۲۱)، شاهد ترکیب گل و پرند در کنار هستیم. گل‌های چهارپر و هشت‌پر که چکیده‌نگاری شده‌اند و بر قوس حلزونی (بند اسلیمی) استوار هستند.



تصویر ۲۱: گل و مرغ - بنای مفتاح (منبع: نگارندگان)

پ. نقش‌های گیاهی طبیعت‌پردازانه

گیاهان این گروه، به صورت درختچه، نهال و یا گلدان گلی در دست زن طراحی شده‌اند. این گیاهان طبیعی هستند. دارای تنه و شاخه‌اند و ریشه در خاک و یا گلدان دارند (تصویر ۲۲).



تصویر ۲۲: نقش گیاهی طبیعت‌گرا - بنای خداوندی (منبع: نگارندگان)

۶- کتیبه‌ها

آنچه در این تحقیق مدنظر است کتیبه‌هایی است که در میان نقاشی‌ها، به خطی ساده و به رنگ سیاه تحریر شده‌اند و جنبه کاربردی دارند. این نوشته‌ها مربوط به هنرمند نقاش است

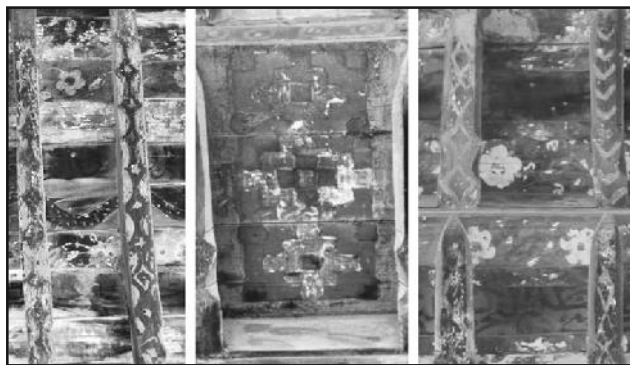
که در میان نگاره‌ها دیده می‌شود؛ همچون امضای نقاش، ثبت تاریخ اجرای اثر و همین‌طور نام بعضی از موضوعات در کنارشان نگارش شده است (تصویر ۲۳).



تصویر ۲۳: کتیبه- بنای خداوردی و پیرتکیه (منبع: نگارندگان)

۷- نقش‌های هندسی

نقوش هندسی اکثراً در حاشیه سقف؛ بر روی شیرسر و درزپوش‌ها مشاهده می‌شوند، به استثنای خانه حاج قاسمی که سطح لمبه‌ها نیز با انواع اشکال و خطوط هندسی تزئین شده است. اسلوب اجرای آن‌ها، سطح پیردازانه و بر اصل قرینگی است که به‌طور منظم و بسیار ساده، در کنار سایر نگاره‌ها تکرار شده و ایجاد بافتی پیوسته می‌کنند. طرح‌های هندسی نقش بسته بر سطح زیرسقف بناها، از قبیل؛ نقش دایره‌های ممتد، مثلث‌ها که به‌صورت هفت‌هشتی در آمده‌اند. نقوش جناقی؛ به شکل دال‌دالی که به‌صورت موازی طراحی شده‌اند، لوزی‌هایی که به شکل گیسویی نمود پیدا کرده و گاه در بین آن‌ها ختایی ساده دیده می‌شود، خطوط مورب موجی، خطوط متقاطع که ایجاد نوارهای زنجیره‌ایی به شکل لوزی‌های ممتد کرده‌اند، تقسیمات هندسی مربع که برگرفته از نقوش بنایی در تزئینات معماری است (تصویر ۲۴).



تصویر ۲۴: نقش هندسی (منبع: نگارندگان)

فهرست منابع:

کتبها:

پاکباز، روئین (۱۳۸۵)، نقاشی ایران از دیروز تا امروز، تهران، زرین و سیمین.

گریبان، آلن (۱۳۷۷)، فرهنگ نمادها؛ اساطیر، رویاها، رسوم، جلد ۱-۴، مترجم سودابه فضایی، تهران، جیحون. مقالات:

ابراهیمی ناغانی، حسین (۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی شکل انسان در نگارگری هرات و نقاشی قاجار، جلوه هنر، شماره ۱۰، صص ۱۶-۲۸.